

شاگرد و آموزگار: ژاپن و فرانسه*

مترجم: بهمن همایونفر

عملکرد اقتصادی اخیر ژاپن، با توجه به معیارهای (= استانداردهای) بالای این کشور چندان قابل توجه نبوده است. از سال ۱۹۷۹ به این سو، رشد اقتصادی ژاپن هر ساله اندکی کاهش یافته است تا جایی که در سال ۱۹۸۳، به خاطر سالها مشکلات ایجاد شده توسط اوپک (۱۹۷۳-۱۹۷۸)، از حد متوسط هم پایین تر رفته است. با این حال، سال جاری شاهد بازگشت به یک رشد متعادل به صادرات بوده است و بنا بر گزارش OECD، به رغم سیاستهای تضییقی دولت ژاپن در امور مالی و پولی، انتظار می رود که در سال ۱۹۸۴، رشد اقتصادی این کشور به $\frac{3}{4}\%$ برسد.

البته از آنجا که جنس وضعی به شدت وابسته به رشد اقتصادی امریکاست، ممکن است بهبود اوضاع اقتصادی ژاپن را شکننده سازد. تقاضای رویداد آمریکا از یک سو به ژاپن امکان می دهد که به طور مستقیم صادرات خود را به این کشور افزایش دهد و از سوی دیگر، به طور غیرمستقیم سب می شود از زرگاری با دیگر کشورهای جهان رونق یابد. محاسبه های مدل اقتصادی OECD نشان می دهد که کل تاثیر بهبودی اقتصاد امریکا، 2% از $\frac{3}{4}\%$ ، یعنی 2% از رشد پیش بینی شده برای سال ۱۹۸۴ ژاپن را، در بر می گیرد.

چنین می نماید که جریان بالارونده سرمایه گذاری تا سال ۱۹۸۵ هم ادامه یابد، تولیدات جدید از ظرفیت ذخیره های استعاده برده اند چرا که تا سال پیش، میزان سرمایه گذاری همچنان پایین بود، ولی با این همه، در پایان ۱۹۸۳، به کارگیری ظرفیت کارخانه ها به نقطه اوج دوره های قبلی خود، یعنی سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۸۰، رسید و سودآوری به سرعت بالا رفت (در نیمه دوم سال مالی ۱۹۸۳ به ۲۷٪ هم رسید) و نوآوری های فنی به سوداگران این امکان را داد که وجوه نقدی خود را به جریان بیاندازند. بدین ترتیب، پیش بینی کنندگان امیدوارند که در سال آینده سرمایه گذاری تا $\frac{3}{4}\%$ در شرایط واقعی، بالا رود یا به عبارت دیگر، اندکی بیش از $\frac{1}{4}\%$ درصدی باشد که برای سال ۱۹۸۴ پیش بینی می شد.

ارسوی دیگر انتظار می رود که ساخت موجودی کالا و مخارج مصرف کنندگان نیز نقش مهمتری ایفاء کنند. در سال جاری، درآمد خانواده های ژاپنی به خاطر پاداش و اضافه حقوق بالا خواهد رفت و با آنکه ممکن است تورم اندکی بیشتر از سال ۱۹۸۳ باشد با این حال، آنچنان نخواهد بود که مانع افزایش دستمزد واقعی شود. کاهش سریع موجودی کالا در سال گذشته متوقف شد و خبرگان OECD امید

* "Teacher and Pupil" *The Economist*, Aug. 11, 1984.

دارند که طی ۱۹۸۴ - ۱۹۸۵ دوباره سازی موجودی کالا فزونی گیرد و به $\frac{1}{4}$ % تولید ناخالص ملی در هر سال برسد.

بنابراین، اگر چنانچه بهبودی صادراتی هم متوقف شود، میزان رشد اقتصادی ژاپن در سال ۱۹۸۵، ممکن است تنها اندکی کاهش یابد و به رقم ۴% برسد. با این حال، دو مسئله همچنان برجاست:

● از اواخر ۱۹۸۲، ارزش پول ژاپن، بین، در برابر دلار ۱۴% افزایش نشان داده است ولی این مقدار برای متعادل ساختن مازاد متورم تراز پرداختها کافی نیست. این مازاد در سال آینده، ۳۰ میلیارد دلار پیش‌بینی شده برای ۱۹۸۴، به ۳۶ میلیارد دلار خواهد رسید. مقامات ژاپنی هم مانند دیگر مقامات جهان در انتظار سقوط دلار به سر می‌برند. اگر چنین اتفاقی روی دهد، انگیزه، خارجی کاهش خواهد یافت، ولی بانک ژاپن خواهد توانست نرخ بهره را پایین بیاورد (و بدین ترتیب اقتصاد داخلی را رونق بخشد) بی آنکه در ارزش "ین" تغییری حاصل شود.

● گسری بخش عمومی، که کمتر از ۳% تولید ناخالص ملی است، با توجه به معیارهای جهانی چندان بالانگیز است و عنصر احتیاطی در پنج سال گذشته سخت محدود شده است. با این حال، ممکن است که در آینده مشکلاتی ایجاد شود. فرار است که برای بخش بزرگی از بدهیهای دولتی در سال ۱۹۸۵، دوباره تامین بودجه شود. باید بیفزاییم که سن جمعیت ژاپن روبه افزایش است و این امر بر نظام بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی اثر خواهد گذاشت و بار آن را زیادتر خواهد کرد و باعث خواهد شد میزان بهره افزایش یابد و در نتیجه روند سرمایه‌گذاری خصوصی را مخدوش سازد.

مسائل فرانسه از سطح دیگری است

تفاوت میان فرانسه و ژاپن هیچگونه ارتباطی با وضع تجاری موجود ندارد. از زمان صعود قیمت‌های نفت در ۱۹۷۳-۱۹۷۴، فرانسه به نسبت ژاپن میزان کمتری از درآمد ملی خود را به سرمایه‌گذاری اختصاص داده است، دستمزدها سریعتر بالا رفته‌اند، سهم سوددهی تولید ناخالص ملی به مراتب پایینتر از ژاپن بوده است و نرخ بازگشت سرمایه بین ۱۰% و ۲۰% در نوسان بوده است حال آنکه در مقام مقایسه، این نرخ در ژاپن از ۲۰% شروع شده به ۴۰% می‌رسد. از سوی دیگر، از آنجا که موجودی سرمایه‌های فرانسه به سرعت فرسوده می‌شود، فاصله میان تولید بالقوه، این کشور و ژاپن هر ساله افزایش می‌یابد.

با این حال، پس از تجربه، اقتصادی حکومت میتران، فرانسه شاهد چنان تکان سختی بود که وضع روبه‌بهبودی فعلی، با همه، نابسامانی، ممکن است که فاصله، نرخ رشد دو کشور را در سال ۱۹۸۵ کاهش دهد. حرکت ۱۸۰ درجه‌ای میتران در مارس ۱۹۸۳، ارزش فرانک را پایین آورد، سیاستهای تضییعی پولی و مالی را برقرار ساخت، هزینه‌های عمومی را تنزل داد و قیمت‌ها و درآمدها را محدود کرد. این سیاست موثر افتاد. تورم کاهش یافت، مبادلات تجاری بهبود پیدا کرد و با آنکه نرخ رشد تغییری نکرد، با این حال مثل انگلستان رشدی منفی هم نشان نداد. این امر را البته باید به حساب سیاست آقای میتران گذاشت.

در حال حاضر، اقتصاد فرانسه بر سر یک دوراهی قرار دارد. گزارش OECD با احتیاط پیش‌بینی می‌کند که نرخ رشد فرانسه در ۱۹۸۳ از ۰/۷ به ۱/۲٪ خواهد رسید و در ۱۹۸۵، ۱/۸٪ خواهد شد. به نظر می‌رسد که جریان کاهش تورم و کسری بازرگانی همچنان ادامه یابد. ولی با این حال، میزان بیکاری افزایش خواهد یافت و گزارش OECD چنین تصور می‌کند که در پایان سال ۱۹۸۵، به ۱۱٪ خواهد رسید. حتی این تحولات معتدل و ناچیز هم از بین خواهد رفت در صورتی که دولت نتواند از دو مشکل دوری کند:

● ممکن است که محدودیت دستمزدها از هم پاشیده شود. تصور گزارش OECD این است که فرانسه ناچار است برای پایین نگاه داشتن قیمت‌ها، میزان درآمدها را همچنان تحت کنترل داشته باشد. تا این لحظه، بسیاری از گروه‌های اجتماعی توافق کرده‌اند که به دستوره‌ای پرداختی دولت تن دهند،



ولی اگر قیمت‌ها از میزان تعیین شده توسط دولت تجاوز کرد (شاید به دلیل هزینه‌های وارداتی) ، یا اگر ایده تقاضا برای ساعات کمتر کار ، به عنوان نسخه‌ای برای کاهش بیکاری ، زمینه‌ای پیدا کرد ، آن وقت هزینه کار به شدت بالا خواهد رفت .

بازرگانی ممکن است بیش از پیش دچار کسری شود ، اگر چنانچه بهبودی اقتصادی جهانی بیش از انتظار کاهش یابد ، یا اینکه ارزش فرانک بویژه در برابر ارزهای اروپایی بالا رود ، معنای دیگر این امر آن است که دولت نباید کاملاً "متکی بر سیاست انقباض پولی باشد که خود باعث افزایش نرخ بهره می‌شود . دولت می‌باید در باره کسری بودجه جدیت بیشتری به خرج دهد و در زمانی که بیکاری مرتب رو به افزایش است ، این امر آسان نخواهد بود .

